

پژوهشی در سکه‌های عصر ایلخانی موزه‌های بانک سپه، ملی، مراغه و زنجان

چکیده:

مطالعات تاریخی از منابع گوناگون ممکن است صورت گیرد که سکه‌های ضرب‌شده توسط حکومت‌ها یکی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند. سکه‌ها نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای مبادله اقتصادی، بلکه حامل اطلاعات سیاسی، مذهبی، اقتصادی، هنری و زبانی نیز هستند. با روی کار آمدن ایلخانان ارزش مطالعاتی سکه‌ها در تاریخ نگاری حفظ شد زیرا سکه‌های ایلخانی حاوی اطلاعات ارزشمندی از روابط آنان بویژه با قآن مستقر در مغولستان و چین و بعضی ایالات نیمه مستقل تابع آنان نظیر ارمنستان، فارس، کرمان، وضعیت اقتصادی، دین و مذهب، زبان، آداب نامگذاری، جایگاه زنان و برخی دیگر از اصول کشورداری می‌باشند که در جای خود می‌توانند خلاهای کتب تاریخ نگاری در این زمینه را جبران نمایند. سوال اصلی این پژوهش این است که از سکه‌های ایلخانی چه اطلاعات تاریخی نگارانه ای می‌توان استخراج کرد؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تبیینی ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌ها، با تکیه بر سکه‌های موجود در موزه‌ها، موضوع را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مغولان با هدف حفظ انسجام سیاسی و هم‌افزایی با مردمان قلمروهای فتح‌شده، از نمادهای اسلامی بر سکه‌ها استفاده کردند تا از بروز مشکلات سیاسی ناشی از تغییر شعائر جلوگیری کنند. علاوه بر این، مطالعه سکه‌های موزه‌های ذکرشده برخی از باورهای پیشین در خصوص نوع روابط هرکدام از ایلخانان با قآن، برگشت اولجایتو از مذهب شیعه، فلسفه وجودی زبان چینی و تعدادی دیگر از این باورها را به چالش کشیده و نکات تازه‌ای را مطرح کرده است.

کلیدواژه‌ها: مغولان، ایلخانان، سکه، روابط خارجی، مذهب، زبان

مقدمه:

مغولها به علت قرار نداشتن در مسیر راههای بازرگانی و عدم تمرکز سیاسی، با نظام ضرب سکه آشنایی نداشتند. با ظهور چنگیز و فتح سرزمین‌هایی در شرق و غرب مغولستان، وضعیت مغول‌ها تغییر یافت. آنها بر برخی از مهم‌ترین راه‌های تجاری جهان دست یافته و در اثر هم‌نشینی با

مللی که دارای حکومت‌های متمرکز بودند، میراث تمدنی آنها را اقتباس کردند. ضرب سکه یکی از این عناصر است.

تاکنون در ایران چندین کتاب و مقاله درباره سکه‌های عهد ایلخانی به چاپ رسیده است: یکی کتاب «سکه اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی» تألیف سیدجمال ترابی طباطبائی است. این کتاب سکه‌های موزه آذربایجان شرقی و سکه‌های اهدایی یک مجموعه‌دار را مورد بررسی قرار داده است. کتاب دیگر، «سکه‌های ایران دوره ایلخانان مغول»، اثر بهرام علاءالدینی است. این کتاب نیز سکه‌های موزه ملک را بررسی کرده است. کتاب سوم تألیف مسعود بیات است که سکه‌های چهار موزه سپه، ملی، زنجان و مراغه را بررسی کرده است. در خارج از ایران نیز مهم‌ترین کتاب چاپ شده، «ایلخانیان، سکه‌های مغولان ایران» اثر عمر دلیر است. این کتاب که به بررسی سکه‌های ایلخانیان پرداخته، فاقد تصاویر واقعی سکه‌ها است و فقط نقاشی سکه‌ها را ارائه کرده است.

تفاوت اساسی مقاله حاضر با آثار پیش گفته، بویژه سه اثر اخیر در این است که در این آثار فقط تصویر سکه‌ها، متن‌ها و نقوش روی آنها آمده است در حالی که در این مقاله کوشش شده بیان شود که این متون و تصاویر چگونه به کار تحلیل‌های تاریخی می‌آیند.

در میان مقالات نیز دو مقاله در ارتباط با موضوع این مقاله به نگارش در آمده است یکی با عنوان "مسئله و مبنای مشروعیت یابی ایلخانان بر اساس شواهد سکه شناسی با تاکید بر آیه ۲۶ سوره آل عمران" تألیف نیره دلیر و مجتبی خلیفه است و دیگری با عنوان "برهم کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه شناسی" اثر فرزاد فیضی و همکاران است. هر دو این مقالات، مساله مشروعیت را بر اساس سکه‌ها را بررسی کرده اند. در مقاله حاضر ضمن استفاده از اطلاعات این مقالات در موضوع مشروعیت، موارد متنوع دیگری ارائه شده اند. مضافا این که مؤلفین مقالات فوق‌الذکر خود به موزه‌ها مراجعه نکرده و مقاله خود را بر اساس سکه‌های منعکس شده در آثار تألیف کرده اند در حالی که مقاله حاضر با بررسی میدانی تمام سکه‌های ایلخانی موزه‌های مورد پژوهش تألیف شده است.

همانطور که در عنوان آمده است این پژوهش مبتنی بر سکه‌های چهار موزه سپه، ملی، زنجان و مراغه است. علت انتخاب این موزه‌ها این بود که بیشترین محل نگهداری سکه‌های ایلخانی موزه‌های تهران به عنوان مرکز و زنجان و آذربایجان به عنوان پایتخت حکومت ایلخانان است. در میان موزه‌های تهران، سکه‌های ایلخانی موزه ملک توسط بهرام علاءالدینی در قالب یک

کتاب جمع آوری شده است ولی سکه های دو موزه دیگر هنوز ارزش موزه ای داشته و مورد پژوهش واقع نشده بودند. موزه آذربایجان نیز توسط ترابی طباطبائی مورد پژوهش بوده است. بنابر این در انتخاب موزه های مذکور لزوماً تفاوت سکه های موجود آنها با سکه های دیگر موزه ها مد نظر نبوده بلکه مورد پژوهش نبودن این موزه ها مد نظر بوده است.

همانطور که می دانیم که برای تحلیل ها و تبیین های تاریخی علاوه بر کتب تاریخ نگاری که نقش محوری دارند منابع کمکی دیگری نیز چون: زبانشناسی، ادبیات، یافته های باستانشناسی و سکه ها و نظایر آن وجود دارند که مورخین برای استحکام تحلیل های خود از آنها نیز استفاده می کنند بنابر این هدف این مقاله تامین اطلاعات تاریخی مستخرج از سکه های موزه های مورد پژوهش برای پژوهشگران مساله محور است نه این که یک مساله پژوهشی را از این سکه ها دنبال کند. فایده این کار در این است که بسیاری از پژوهشگران مساله محور شاید فرصت و یا امکان دسترسی به این مجموعه ها را نداشته باشند.

یافته های تحقیق

۱- هولاکو

براساس متون تاریخی هولاکو اولین ایلخان ایران موظف شده بود «رسوم و یوسون (سنت) و یاسای (قانون) چنگیز را در کلیات و جزئیات امور» رعایت کند (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۸۶۶). ولی در سکه ها هیچ نشانی از تبعیت او از دستور اشاره شده وجود ندارد و سکه های ضرب شده کاملاً مزین به شعائر اسلامی است.

نکته قابل ملاحظه بر روی سکه های عهد هولاکو این است که از ۹ ایلخان حاکم در ایران، تنها در زمان او است که بر روی سکه ها نام قآن مستقر در مغولستان و یا چین ذکر شده است (تصویر ۱). قآن مذکور منکو است که در سکه ها «مونلکا» درج شده است. ولی جالب اینکه پس از مرگ منکو در سال ۶۵۵ق و جانشینی قوییلای به جای وی، تا مرگ هولاکو در ۶۶۳ق همچنان نام منکو به جای قوییلای در سکه های هولاکو آمده است (تصویر ۱).



تصویر ۱. سکه‌ای از دوره هولاکو در ۶۶۳ هجری قمری (بیات، ۱۴۰۰: ۴۰)

شاید به این دلیل که هولاکو خود را شایسته مقام قانی پس از مرگ برادرش می‌دانست ولی تا او به قوریلتای برسد برادرش قوبیلای انتخاب شده بود. (تصویر ۱)

البته از سال ۵۴ هجری یعنی در آغازین سال‌های مأموریت هولاکو نیز سکه‌هایی وجود دارد که نام دقیق قان در آن نیامده است و عنوان کلی «قان الاعظم» ذکر شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. سکه‌ای از دوره هولاکو در ۵۴ هجری قمری (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸)

در پشت تمام سکه‌های زمان او شعائر اسلامی نظیر آیات قران و جمله شهادتین نقر شده است (تصویر ۲ و ۳).



تصویر ۳. سکه‌ای از دوره هولاکو در ۶۵۵ قمری (بیات، ۱۴۰۰: ۲۰)

نکته قابل توجه اینکه در بخش اعظمی از سکه‌های زمان او قسمتی از آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران که سلطنت و عزت را عطیه خداوندی دانسته نقر شده است. جالب این است که این شعار از ابتدای سلطنت او در سال ۶۵۴ قمری در روی سکه‌ها دیده می‌شود و مربوط به بعد از سقوط خلافت عباسی نیست. بدین معنی که اگر مربوط به بعد از سقوط خلافت بود، می‌شد ادعا کرد که مغولان خواسته‌اند با توجه به جنبه مشروعیتی که عباسیان در نزد اکثریت مسلمانان آن زمان داشتند چنین القاء کنند که خداوند مصلحت دیده حکومت را از عباسیان ستانده و به آنان دهد، ولی چون این مسکوکات متعلق به آغاز مأموریت هولاکو در غرب است، می‌توان گفت هولاکو پیش از حمله، کاملاً به اوضاع و احوال اجتماعی حوزه مأموریت خود آگاه بوده و از ابتدا کوشیده حکومت خود را نه استیلابی، بلکه مشروع جلوه دهد. بویژه این که می‌دانیم سابقه استفاده از این آیه مشروعیت بخش در سکه‌ها به خیلی پیش از زمان ایلخانان و به قرن سوم هجری قمری بر می‌گردد (دلیر و خلیفه، ۱۴۰۲: ۸۸).

با توجه به انتخاب مراغه به پایتختی توسط هولاکو، اغلب مسکوکات بررسی شده، ضرب مراغه بودند و هیچ نمونه‌ای که ضرب تبریز باشد یافت نشد.

در میان سکه‌های ضرب شده عهد هولاکو و ارغون سکه‌هایی نیز وجود دارند که نام آبش خاتون در پشت سکه‌ها آمده است (نک. تصویر ۴ و ۵). معمولاً در روی سکه‌ها نام ایلخان و در پشت سکه شعائر رایج آن زمان که در سکه‌های ایلخانی اغلب شهادتین است درج می‌شد. اینکه نام یک گماشته ایلخان در پشت سکه و بعد از شعائر دینی آورده شود بی سابقه است. آبش خاتون دختر سعدبن ابی بکر بن سعد زنگی و ترکان خاتون و آخرین اتابک از خاندان سلغریان که در سالهای ۶۷۲-۶۶۲ قمری و ۶۸۳-۸۲ قمری، جمعاً به مدت ۱۱ سال، از سوی ایلخانان مغول، اتابک شیراز بوده است (بته کن، ۱۳۹۹: ذیل لغت ابش خاتون).



تصویر ۴. سکه دوره هلاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۲۸)



تصویر ۵. سکه دوره اباقا (بیات، ۱۴۰۰: ۵۷)

فلسفه این اختیار را دقیقاً نمی‌توان گفت. خواجه رشیدالدین می‌نویسد که در فارس، کرمان، گرجستان، ماردین و روم به‌نوعی رایج بود که نام پادشاه حاکم آورده نشود (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۱/۲) شاید به این دلیل که برخی از این ایالات، در مرز ایلخانان با همسایگان مدعی این ایالات قرار داشتند و ایلخانان بنا به مصالح سیاسی می‌کوشیدند که با دادن برخی امتیازات غیرحساس، آنها را در کنار خود نگه دارند تا تمایلی به دشمنان نشان ندهند ولی همانطور که در این سکه‌ها دیده می‌شود نام ایلخان حاکم بر سکه‌ها وجود دارد ولی در پشت سکه، نام آبش‌خاتون نیز ذکر شده است، درحالی که موقعیت فارس اینگونه نبود. شاید فلسفه آمدن نام او در پشت سکه ناشی از جایگاه او در نزد هولاکو بوده باشد زیرا آبش‌خاتون عروس هولاکو بود و در نزد او حرمتی تمام داشت.

۲- اباقا

اباqa دومین ایلخان مغول است که از سال ۶۶۳ هجری لغایت ۸۰ هجری در ایران حکومت کرده است. شکست پدرش از ممالیک مسلمان، میراثی بود که او به هر قیمتی می‌خواست آن را جبران کند،

بنابراین دست به دامان امپراتور روم شرقی شد و حتی دختر امپراتور را به عقد ازدواج خود درآورد. این کار به همراه تربیت او در دامان مادری مسیحی (دوقوزخاتون) منجر به تقویت مسیحیان ایران شد. این علاقه ایلخان به مسیحیان در سکه‌های او نیز نمودار شده است و اباقا اولین ایلخان مغولی ایران است که در سکه‌های او تثلیث مسیحی ظاهر می‌شود. این شعار عبارت است از: «بسم الاب و الابن و روح‌القدس الاف قایل» (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۳: ۱۸۱). ترابی طباطبائی چهارمین جزء این شعار را «الاف قایل» خوانده است که به احتمال زیاد درست نیست زیرا که این کلمات معنی ندارند به‌ویژه اینکه سکه‌هایی دقیقاً با همین شکل در دوره ارغون وجود دارند که جزء چهارم این شعار «الله واحد» درج شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶ سکه دوره ارغون، سال ضرب ناخوانا (بیات، ۱۴۰۰: ۹۵)
 متن روی سکه: نوشته‌ای به خط اویغوری، ارغون
 متن پشت سکه: بسم الاب و الابن و روح القدس، الله واحد، علامت صلیب

نکته قابل ذکر اینکه اکثر سکه‌های ضرب‌شده عهد اباقا نامی از او ندارد بلکه با نام عمومی قآن‌العدل ضرب شده‌اند. ترابی طباطبائی این سکه‌ها را به‌جز یک مورد که به اباقا نسبت داده، بقیه را مربوط به قآن‌های بزرگ (اوگتای، منکو و قوبیلای) دانسته است. موزه‌داران بانک سپه نیز، هم مربوط به قآن‌های بزرگ و هم مربوط به اباقا ذکر کرده‌اند. هیچ‌کدام از این افراد دلیلی برای این کار خود بیان نکرده‌اند. به نظر نگارنده این سکه‌ها نمی‌تواند مربوط به قآن‌های بزرگ مذکور باشد، زیرا این سکه‌ها در جغرافیای ایران و در شهرهایی چون تبریز، موصل، کازرون و ... ضرب شده‌اند و این می‌بایست مربوط به خود اباقا باشد. به‌ویژه اینکه روال قبل و بعد از عصر او یعنی عصر هولاکو و تگودار و بقیه نیز اینگونه نیست. می‌شود حدس زد که این اقدام در راستای حذف تدریجی نام قآن از سکه‌ها بوده باشد، منتهی با زیرکی؛ به طوری که بخواهند موضع قآن‌ها را نسبت به این تغییر تدریجی بسنجند. زیرا در سکه‌های ضرب‌شده عنوان «قآن‌العدل» آمده بود و قطعاً با رواج این سکه‌ها در منطقه، عنوان فوق را حمل بر خود اباقا می‌کردند

و اگر گزارش‌هایی نیز توسط مخالفین به قآن‌ها می‌رسید، اباقا به راحتی می‌توانست توجیه کند که سکه‌ها نه به نام اباقا بلکه به نام خود قآن ضرب شده است.

نکته دیگر در سکه‌های عهد اباقا ظهور زبان اویغوری در آنها است. اویغورها اقوام متمدن ترکی بودند که خط داشتند و چون مغولها فاقد خط بودند خط آنان را اقتباس کردند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۶۳). این خط از این زمان تا پایان حکومت ایلخانان، به استثنای عهد اولجایتو در سکه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. به عقیده برخی پژوهشگران ظهور نوشته‌های اویغوری در سکه‌های ایلخانی در راستای مقبولیت یابی نزد اشراف زادگان این قوم بوده است (فیضی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۹).

نکته جالب اینکه از روی کار آمدن اباقا تا احمد تکودار در سکه‌های مجموعه‌های مورد بررسی این پژوهش، سکه‌ای که در آن آیه ۲۶ سوره آل عمران مبنی بر اعطای سلطنت توسط خداوند به هر کسی که می‌خواهد یافت نشد.

۳- تکودار

تکودار، سومین ایلخان ایران و اولین ایلخان مسلمان است. نکته قابل توجه اینکه در سکه‌های باقی‌مانده از او هیچ نشانی به جز انعکاس نام اسلامی او یعنی احمد از این تغییر دین دیده نمی‌شود، بدین معنی که روال گذشته ضرب سکه که در ایام ایلخانان نامسلمان بود همچنان ادامه دارد.

نکته درخور توجه در سکه‌های زمان احمد، ظهور مجدد آیه ۲۶ سوره آل عمران است. این آیه حکومت را عطیه خداوند می‌داند که آن را به هر کسی که اراده کند می‌دهد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تکودار مسلمان شد، وی در بین شعارهای درج‌شده بر روی سکه‌ها بهترین شعار را برای توجیه سلطنت خود همین دید.

یک تفاوت سکه‌های ضرب‌شده عهد احمد نسبت به ایلخانان قبلی این است که در پشت برخی سکه‌های عهد او، نام احمد ذکر شده است (تصویر ۸) و این کاملاً خلاف رویه ایلخانان قبل از او بود، زیرا نام ایلخان بر روی سکه می‌آمد. البته پس از احمد به‌ویژه از زمان گیخاتو نیز سکه‌هایی وجود دارند که در پشت آنها نام ایلخان نیز ذکر شده است.



تصویر ۷. سکه دوره تکودار، سال ضرب ۸۰۰ ق (بیات، ۱۴۰۰: ۷۶).

۴- ارغون

ارغون، چهارمین ایلخان ایران است. در زمان او به علت نفوذ بیش از حد روحانیون بودایی محدودیت های زیادی برای مسلمانان ایجاد شد. در سکه های ارغون علی رغم ستیز عمومی او با اسلام، جمله «علی ولی الله» ضرب شده است. (تصویر ۹) گفته شده مربی ارغون، شیعی مذهب بوده است (میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۱۷۳). و شاید تحت تأثیر او بوده که ارغون تمایل به شیعه دوستی نشان داده است. برخی ها بر این عقیده اند که اقدام ارغون سیاسی بوده، زیرا او با اسلام که نماینده اکثریت آن سنی بودند مخالفت می ورزیده و به همین سبب به شیعیان به عنوان رقیب آنان نزدیک شده است (ترکمنی آذر، ۱۳۹۰: ۲۸۱).



تصویر ۸. سکه دوره ارغون، سال ضرب ناخوانا (بیات، ۱۴۰۰: ۹۸).

تفاوت شاخصی که در سکه های عهد ارغون در قیاس با گذشته وجود دارد کثرت استفاده از خط اویغوری است. شاید به دلیل نفوذ روحانیون بودایی در دربار او باشد که مروج خط و فرهنگ اویغوری در دولت او بودند. همچنین در سکه های ارغون در قیاس با دیگر ایلخانان، تصاویر مختلفی از حیوانات نظیر شیر و پرنده که برخی آن را نشانه نفوذ هنر چینی و بودایی در ایران دانسته اند؛ دیده می شود (طباطبائی، ۱۳۵۱: ۳۶؛ سرافرازی، ۱۳۸۹: ۵۵) (تصویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۹. سکه دوره ارغون، دارای تصویر پرنده و ماه و ستاره (بیات، ۱۴۰۰: ۹۲)



تصویر ۱۰. سکه دوره ارغون، ضرب ۶۸۵ق، دارای تصویر گاو شاخ‌دار درحالی که انسانی در زیر آن در حال دوشیدن است (بیات، ۱۴۰۰: ۸۶).

لازم به ذکر است که در سکه‌های ایلخانی به‌هیچ‌وجه تصویر پادشاه زمان ضرب نشده است. می‌توان حدس زد علت این کار شاید به جهت تحریم تصویر صورت در اسلام بوده باشد. درست است که مغولان برای مدت دراز مسلمان نشدند ولی همان‌طور که قبلاً ذکر شد در ضرب سکه سخت پایبند عرف محلی بودند. در معدودی از سکه‌ها که تصاویر انسانی وجود دارد، تصاویر عمومی هستند و بیانگر ایلخان یا شخص خاصی نیست.

در تعداد کمی از سکه‌های عهد ارغون به جای شعائر اسلامی، شعائر مسیحی درج شده است. برای مثال سکه‌ای که پشت آن بسم‌الاب و الابن و روح‌القدس، الله واحد و علامت صلیب وجود دارد (تصویر ۱۲). جمله الله واحد که خلاف رویه سکه‌های ضرب‌شده دنیای مسیحیت است چنین می‌نماید که این سکه در کلنی‌های مسیحی که در قلمرو اسلامی بوده‌اند ضرب شده باشد تا ضمن ضرب سکه با شعار مسیحی، کمترین حساسیت در جامعه‌ای با اکثریت

مسلمان را برانگیزد. کمالینکه خواجه رشیدالدین می نویسد در گرجستان تا عهد غازان شعائر اسلامی را بر روی سکه‌ها درج نمی کردند (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۲۹۶).



تصویر ۱۱. سکه دوره ارغون (بیات، ۱۴۰۰: ۹۵).

نکته درخور ملاحظه در سکه‌های عهد ارغون وجود سکه‌ای است که در کازرون ضرب شده است. جالب است که در پشت این سکه، نام ابواسحاق درج گردیده است (تصویر ۱۳). سال ضرب سکه ۶۸۷ قمری است. البته همانطور که قبلاً دیدیم سکه‌های ضرب شده در قلمرو حکومت آتش خاتون، نام او را داشت ولی می‌دانیم که آتش خاتون در سال ۶۸۴ قمری کشته شد و بعد از مرگ او و با چند ایلخان فاصله در سال ۷۱۹ قمری حکومت شیراز از طرف ابوسعید آخرین ایلخان به دختر او کردوجین واگذار شد. در این فاصله سکه‌هایی که در کازرون ضرب می‌شوند به نام ابواسحاق ضرب می‌شوند. شیخ ابواسحاق کازرونی (ح. ۴۲۶-۳۵۲ق) بنیانگذار سلسله کازرونیه و صوفی نامدار قرن چهارم هجری است. او در ترویج دین اسلام در کازرون نقش مهمی داشت. به ابواسحاق کازرونی، شیخ غازی نیز اطلاق می‌شود زیرا با زرتشتیان پی‌درپی جنگید (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۶). انگار در فارس و کرمان و ابرقو بعد از آتش خاتون چنین رسم بوده که در دوره‌هایی که شخص صاحب‌نامی در رأس حکومت این مناطق وجود نداشته یا شخص حاکم می‌خواسته به نفوس مشایخ توسل جوید در پشت سکه، نام ابواسحاق و سایر مشایخ مورد احترام را می‌آورده است. مراد از ابواسحاق، هم کازرون به عنوان محل ضرب است و هم توسل به نام مشایخ برای بهره‌مندی از نفوس آنان.



تصویر ۱۲. سکه دوره ارغون، ضرب ۶۸۷ق، نام ابواسحاق در سکه دیده می‌شود (بیات، ۱۴۰۰: ۹۰)

علی‌رغم تعصب ارغون در دین بودایی می‌توان گفت در سکه‌های او نشانی از این تعلق وجود ندارد. پژوهشگران فقط یک سکه را که در آن نقش طاوس است حمل بر گرایش بودایی او کرده‌اند. طاوس در آئین بودا نماد توانایی فرد در مصرف یا جذب بسیاری از سمومی است که در زندگی روزمره به‌وجود می‌آید، اما در عین حال می‌تواند مسیر خود را در سفر به‌سوی روشنگری حفظ کند (بیروتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۹). البته همانطور که گفته شد این فقط یک تفسیر است، زیرا طاوس از ایران باستان بر روی برخی آثار هنری از جمله سکه‌ها نقش می‌بسته است (رنجبر، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۸).

به نظر می‌رسد اگر سکه‌ای از دوره ارغون را نشان انعکاس شعائر بودایی در سکه‌های او بدانیم سکه‌ای است که نقش میمون در آن ضرب شده است (تصویر ۱۴). سایر نمادهای به‌کار رفته در سکه‌های عهد ارغون نظیر شیر و خورشید و گاو، در ایران بی‌سابقه نبوده و از گذشته دور مرسوم بوده است. ولی تقریباً یقین است که میمون در هیچ‌زمانی بومی ایران نبوده است در حالی که در اساطیر تبتی، آنان میمون را نیای خود می‌دانند و او را در مقام بودا ستود یا مظهر بودا، که موجودات کامل را به نیروانده یا کمال می‌رساند، ستایش می‌کنند.



تصویر ۱۳. سکه‌ای از دوره ارغون (بیات، ۱۴۰۰: ۱۱۴).

در فرهنگ چینی میمون مشهورترین حیوانی است که به داستان‌های چینی راه یافته است. این حیوان قهرمان اصلی داستان سی یوجی از داستان‌های مشهور چینی است. سی یوجی گزارشی است از سفر «سوان زانگ» به بهشت غربی (هند) که به دستور خاقان و در جستجوی نسخه اصلی آثار بودایی به زادگاه بودا انجام گرفته است (کریستی، ۱۳۷۳: ۲۰۶). در پایان این سفر میمون نیز به علت همراهی قهرمان این داستان به نیروانا (روشنگری) دست می‌یابد (همان: ۲۱۶).

۵- گیخاتو

گیخاتو پنجمین ایلخان ایران است. بعد از تولد، بخشیان برای طول عمر و بقای رفعت، به او لقب ایرنجین تورجی دادند (آیتی، ۱۳۴۶: ۱۵۸). ایرنجین تورجی به معنی مروارید درخشان است (Diler, 2006: 325). این نام را رشیدالدین، ایرنجین دورجی می‌نویسد. با توجه به سنت مغولان؛ حتی مغولان امروز؛ مبنی بر ارتباط نام با رخدادی در هنگام تولد، بعید نیست که این نام نیز با مروارید مناسبت داشته باشد. این نام تقریباً بر روی بیشتر سکه‌های عهد گیخاتو ضرب شده است. تنها تحول مهم در نظام پولی عهد او، جایگزینی موقتی چاو (پول کاغذی) به جای سکه بود. البته مردم از پذیرش آن خودداری کردند و عمر آن به بیش از هفت روز نرسید (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/۱۰۵۷). جالب است که چون ایرانی‌ها، تصور روشنی از ظاهر چاو نداشتند آن را به سبک و سیاق سکه آراستند، بدین ترتیب که پیرامون آن چند کلمه خطایی و بر بالای آن از دو طرف لاله الا الله و محمد رسول الله نوشته و پائین آن لقب مغولی گیخاتو ایرنجین تورجی را درج کردند (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۲).

نکته قابل توجه دیگر در سکه‌های ضرب کرمان عهد گیخاتو، درج نام پادشاه‌خاتون همسر گیخاتو در سکه‌ها است. پادشاه‌خاتون پنجمین زن گیخاتو است. او دختر قطب‌الدین حاکم قراختائی کرمان است (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/۱۰۴۹). نکته عجیب این سکه‌ها در این است که نام پادشاه‌خاتون برخلاف رویه سابق که در مورد آبش‌خاتون فارس دیدیم به جای پشت سکه، بر روی سکه درج شده است (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۴. سکه دوره گیخاتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۳۲)

با مطالعه در تاریخ قراختائیان کرمان می‌توان دلیل انعکاس نام پادشاه‌خاتون را در کنار نام ایلخان حدس زد. همانطور که می‌دانیم از همان ابتدای بنیانگذاری حکومت قراختائیان رقابت شدیدی بین مدعیان حکومت از این خاندان شکل گرفت که در همه موارد پیروزی از آن کسی بود که در دربار ایلخانی حامیان بیشتر و پرنفوذتری داشت و در این میان زنان قراختائی که در حرم ایلخانان بودند نقش مؤثرتری ایفا می‌کردند (برای مطالعه بیشتر رک. روستا، ۱۳۹۵). پادشاه‌خاتون یکی از این زنان بود که نقش فوق‌العاده مؤثری در جابجایی یا تثبیت قدرت در کرمان داشت. او ابتدا به ازدواج اباقا دومین ایلخان ایران درآمد و ظاهراً در پیش اباقا مقامی بس ارجمند داشت و اباقا او را بر سایر همسران خود ترجیح می‌داد (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/ ۲۹۱) و حتی او را در جایگاه مادر خود گماشت (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۷۲۹) با وجود این همه نفوذ، او در عهد احمد، قربانی توطئه‌های دیگر افراد با نفوذ در دربار ایلخانی شد و با این که موفق شد حکومت کرمان را به صورت شراکتی با برادرش جلال‌الدین سیورغتمش به دست آورد ولی به اجبار همان رقبا به عقد ازدواج گیخاتو درآمد و با اعزام به روم از این آرزو محروم شد و زمانی که گیخاتو به جانشینی ارغون انتخاب شد، او که همواره در آرزوی حکومت کرمان بود به این آرزوی خود رسید و گیخاتو او را به حکومت کرمان منصوب کرد (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۶۳) و چون رقبا بسیار سرسختی از جمله کردوجین، همسر برادرش جلال‌الدین داشت با آوردن نام خود بر روی سکه و در کنار نام ایلخان خواست جایگاه خود را به رقبا نشان داده و اعلام نماید که از دسیسه و توطئه‌چینی دست بکشند.

۶ - بایدو

بایدو ششمین ایلخان ایران که بیش از ۸ ماه حکومت نکرد مسیحی بود ولی با مسلمانان نیز به خوبی رفتار می‌کرد (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). با توجه به حکومت کوتاه او و سپری شدن آن به درگیری‌های نظامی تحول خاصی در ضرب سکه عصر او دیده نمی‌شود. با این توضیح

که اگر در سکه‌های ایلخانان سابق تنوعی جزئی در شعائر و یا اشکال رو و پشت سکه‌ها دیده می‌شود، در سکه‌های عهد بایدو شکل ثابتی به شرح زیر وجود دارد: در روی سکه نام و القاب بایدو به خط اوغوری و در انتهای آن به خط فارسی بایدو نوشته شده است. در پشت همه سکه‌ها نیز شعار لاله الا الله محمد رسول الله درج شده است (برای نمونه تصویر ۱۶).



تصویر ۱۵. نمونه سکه بایدو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

۷- غازان

هفتمین ایلخان ایران، کار خود را با اسلام آغاز کرد. غازان در نخستین قدم مسلمان شد. در علت اسلام آوردن او برخی‌ها بر این عقیده بودند که او به سعی و اهتمام برخی امرا، مسلمان شده است؛ ولی خواجه رشیدالدین این فرض را رد می‌کند و می‌نویسد او پس از تحقیق و تفحص و رسیدن به حقایق دین اسلام مسلمان شده و اسلام او نه سیاسی، بلکه کاملاً صادقانه بوده است (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۱۰۶-۱۱۰۸). دشمنان غازان نیز اسلام او را سیاسی می‌دانستند. در نامه‌ای که سلطان مصر خطاب به او نوشته، چنین آمده است: «ولی بدان که نیروی بزرگی نداری که بر ما پیروز شوی؛ پس به حيله و نیرنگ پرداختی و به ظاهر مسلمان شدی تا لشکریان ما از جنگ با تو امتناع کنند؛ زیرا جنگ کردن با مسلمان جایز نیست» (الشریده، ۱۳۸۴: ۳۰).

اقدام دیگر غازان، ایجاد یک رشته اصلاحات در حوزه‌های مختلف است. یکی از این اصلاحات در حوزه ضرب سکه و عیار آن بود. خواجه رشیدالدین، تاریخ‌نگار دوره مغول، اشکالات ضرب سکه تا عهد غازان را به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱- ضرب سکه در ایالات تابع نظیر روم، فارس، کرمان، گرجستان و ماردین به نام سلاطین محلی آنان صورت می‌گرفته است. این اظهار نظر به آن معنا است که: در سکه‌های این مناطق نام ایلخان نمی‌آمده است.

۲- اختلاف عیار سکه در قلمرو واحد امپراتوری، به طوری که بازرگانان بجای سکه با پارچه معامله می کردند و همین موجب نایاب شدن پارچه در برخی مناطق شده بود.

غازان در تدبیر این کار ابتدا سکه‌ای با نام خدا و پیامبر (ص) و با نقش و نشانی که کس نتواند آن را تقلید کند ضرب کرد. در گرجستان نیز که هرگز سکه آنجا به نام خدا و حضرت محمد (ص) نبود، ناگزیر از این نوع سکه ضرب کردند. بدین ترتیب در همه ممالک، ضرب یک نوع سکه زر و نقره مقرر شد. در عیار زر و نقره سکه‌ها نیز غازان خان قاعده‌ای تعیین کرد، چنانکه پس از یک سال در هیچ جایی زر کم عیار پیدا نمی شد. چنین مشهور شده بود که چون در روزگار مغول جامه‌های زربفت را به هندوستان صادر می کنند، زر کم شده است؛ اما اکنون همه معاملات با سکه طلا صورت می گیرد. غازان خان فرمود سکه نقره را نیز به وزن خرج کنند یعنی سه مثقال به یک دینار رایج تا هیچکس از راه تزویر و فریب کنار سکه‌ها را نتراشد. به این ترتیب سکه و خطبه تمام قلمرو ایلخان به نام غازان خان شد (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۲۹۵-۱۲۹۹).

غازان نخستین ایلخان مسلمان است که رسماً شیعه شد. او قصد داشت که این تصمیم را با تغییر خطبه و سکه به نام ائمه، عملی سازد ولی خواجه رشیدالدین وزیر، او را به این دلیل که این تغییر موجب همدلی مسلمانان سنی مذهب ایران با سلطان ممالیک می شود؛ از این کار منع کرد. غازان علت شیعه دوستی خود را از خوابی می دانست که دیده بود. در این خواب، پیامبر اسلام (ص) بین او و فرزندانش، حسن و حسین (ع)، پیوند برادری برقرار کرده است (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۲۰۴-۱۲۰۳). نکته درخور اهمیت در ضرب سکه‌های غازانی این است که او علی‌رغم تمایلات شیعی، هیچ اقدامی برای نشان دادن این تعلق انجام نداد. تنها سکه‌های منقور به نام ۱۲ امام شیعه در دوره غازان، ضرب سکه‌های صد مثقالی است. این سکه‌ها به عنوان مدال به بزرگان اهدا می شد و کاربرد عمومی نداشت (همان: ۱۲۹۸). نکته دیگر اینکه، رشیدالدین می نویسد غازان دستور داد در ضرب سکه‌ها و نوشتن نامه‌ها، جمله «بسم الله» قید شود. در سکه‌های مورد مطالعه این پژوهش این کلمه نه به عربی بلکه به اویغوری نوشته شده است. با این توضیح که در سکه‌های ضرب شده عهد هولاکو در موصل نیز سکه‌هایی وجود دارند که در آن بسم الله وجود دارد. تحول مهم ناشی از تغییر دین، در سکه‌های دوره غازانی، افزوده شدن القاب دینی، نظیر مظفرالدین به مجموعه القاب ایلخانان است. با این تفاوت که این لقب دینی نه بر روی سکه، بلکه در پشت سکه آمده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶. سکه دوره غازان (بیات، ۱۴۰۰: ۱۶۰).

تغییر نام در میان مغولان رایج بود و یکی از علل آن، تغییر دین بود. غازان نیز پس از مسلمان شدن نام خود را به محمود تغییر داد و این تغییر تقریباً در تمام سکه‌های ضرب دوره حکومت او منعکس است (تصویر ۱۸). مهم‌ترین تغییر ایجاد شده در خطوط به کار رفته بر سکه‌های این دوره، ظهور خط چینی است. فلسفه دقیق آن مشخص نیست. برخی بر این باورند که این کار به منظور جلوگیری از تقلب بوده است (سرافرازی، ۱۳۸۹: ۵۴)؛ به نظر نگارنده این فرض بعید به نظر می‌رسد زیرا حروف چینی روی سکه‌ها بیش از چند حرف نیستند و امکان جعل آن زیاد سخت نبوده است به نظر می‌رسد. با توجه به آشنایی نسبی غازان به خط و زبان اویغوری، چینی، عربی و حتی لاتینی (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۱۱۸۴ / ۲) این هدایت توسط شخص او به منظور متفاوت بودن سکه‌های او با ایلخانان دیگر صورت گرفته باشد.



تصویر ۱۷. سکه دوره غازان، ضرب سال ۷۰۰ق (بیات، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

تقریباً تمام پژوهشگران حوزه ایلخانی با بهره‌گیری از سکه‌های این عصر مدعی شده‌اند که غازان نخستین کسی است که استقلال خود را از قآن مستقر در چین اعلام کرده است. بخشی از ادعاها عبارتند از:

«چنانکه مشهور است جلوس غازان خان بر تخت ایلخانی فصل تازه‌ای در مناسبات ایلخانان با خان بزرگ بود؛ زیرا او آشکارا تعلق قلمرو ایلخانی به قآن را نادیده گرفت» (اشپولر، ۱۳۹۷: ۹۶؛ اقبال، ۱۳۶۵ : ۲۵۹؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۴۶۶).

یکی از نشانه‌های استقلال سیاسی حکومت ایلخانی از دستگاه خان بزرگ را می‌توان در تغییر عبارات روی سکه‌ها مشاهده کرد. تا سال ۶۹۴ق بر روی سکه‌های ایلخانان نام خان بزرگ با کلمه «قآن» و اغلب «قآن الاعظم» به نشانه شناسائی فرمانروایی قآن در ایران ضرب می‌گردید، اما غازان خان برای نخستین بار لقب قآن را برای خود به کار برد و به این ترتیب استقلال‌طلبی‌اش را آشکار نمود. او بر روی برخی از سکه‌های خود عنوان «سلطان الاعظم غازان» را به کار برد (اشپولر، ۱۳۹۷: ۲۷۲-۲۷۳).

با مذاقه در سکه‌های موزه‌های مورد مطالعه چنین برداشت می‌شود که اقدام به حذف نام قآن از سکه‌ها به دست غازان متکی به یک تلاش زیرکانه از عهد هولاکو است و نمی‌توان تمام افتخار آن را به نام غازان ثبت کرد. اصولاً براساس یک نقل قول از جوینی: «هرکس که بر تخت خانی نشیند یک اسم در افزایشند: خان یا قآن و بس. زیادت از آن ننویسند» (جوینی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). جوینی تصریح نمی‌کند که خان بزرگ را قآن و خان‌های پائین‌تر را خان می‌گویند، بنابراین می‌شود تصور کرد چندان حساسیتی روی کاربرد این عناوین نبوده است. به عبارتی می‌شود قآن را به غیر خان بزرگ نیز به کار برد، چنانچه در برخی از سکه‌های ضرب‌شده عهد هولاکو، قآن برای هولاکو نیز بکار رفته است. در این سکه‌ها این نوشتار دیده می‌شود: قآن الاعظم مونلکا قآن هولاکو خان (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸. سکه دوره هولاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۳۰).

شاید برخی ادعا کنند صفت قآن بار دیگر بعد از اسم مونلکا برای او تکرار شده است، به عبارتی قآن دوم نیز به خود منکو برمی‌گردد، ولی واقعیت این است در هیچ کدام از سکه‌های بعد

هولاکو پس از لقب قآن الاعظم، کلمه قآن تکرار نشده، بلکه القاب و نام ایلیخان آمده است. به همین سیاق در اینجا نیز می‌توان گفت قآن اشاره به هولاکو دارد. حتی سکه‌ای از هولاکو وجود دارد که بر روی آن آمده است: قآن الاعظم مولکا قآن هولاکوخان ایلیخان قآن الدهر خلد ملکه‌ها. هرطور به آن بنگریم، قآن دوم به منکو برنمی‌گردد (نک. تصویر ۲۰).



تصویر ۱۹. سکهٔ دورهٔ هولاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۲۲).

به نظر می‌رسد اولاً حساسیت آنچنانی در میان خان‌های بزرگ مبنی بر ذکر نامشان بر روی سکه‌ها وجود نداشته بلکه بیشتر به تابعیت عملی اهمیت می‌دادند. با وجود این با توجه به نوع مناسبات رقابت‌آمیزی که بین ایلیخانان ایران و جغتائیان ماوراءالنهر و اردوی زرین وجود داشت، حفظ ظاهر تابعیت از قآن به مصلحت ایلیخانان بود. بنابراین هولاکو از همان زمان خود زیرکانه کوشید با ضرب سکه‌هایی که نام منکو در آن حذف شده و صرفاً به نام قآن الاعظم اکتفا شده بود، دو مقصود را پیش ببرد: اولاً در هر صورت اگر شیطنت‌هایی شد و گزارش‌هایی به قآن رسید که نامش حذف شده، او می‌توانست ادعا کند که نام قآن در اول سکه و قبل از نام ایلیخان ذکر شده است، از طرفی به‌نظر نمی‌رسد گنجاندن نام قآن در سکه‌ها از نگاه مردم ایران با میزان اندک اطلاعاتی که از نوع روابط ایلیخانان با قآن داشتند حمل بر قآن مستقر در چین شود، بلکه آنها همین عنوان را هم لقب ایلیخان می‌پنداشتند. اخلاف هولاکو نیز همین شیوه را در ضرب سکه پیش گرفتند تا این که ایلیخانی به غازان رسید. زمانی که او به قدرت رسید یکسال از مرگ قآن قویلیلی گذشته بود و او با ارزیابی‌ای که از تحولات چین داشت چنین می‌پنداشت که حتی به حفظ ظاهر سابق نیز لزومی نیست. البته سکه‌هایی از عهد گیخاتو نیز وجود دارند که در روی آن لقب قآن نیامده است، برای مثال سکه‌ای که در روی آن آمده است: گیخاتو پادشاه جهان خداوند عالم پادشاه خاتون (تصویر ۲۱).



تصویر ۲۰. سکه دوره گیخاتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۳۳).

از طرفی از عهد خود غازان سکه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهند غازان علی‌رغم اتخاذ رویه حذف لقب قآن، از جاده دوراندیشی خارج نشده، چرا که از او سکه‌هایی باقی مانده است که علی‌رغم نداشتن نام قآن به نوعی اشاره به قآن دارند، از جمله این سکه که در روی آن نوشته: پادشاه جهان السلطان الاعظم غازان محمود خلدالله ملکه (تصویر ۲۲). این سکه را با سکه‌ای از عهد اباقاخان مقایسه کنید که در آن نوشته شده قآن پادشاه عالم ایلخان الاعظم اباقاخان (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۱. سکه دوره غازان (بیات، ۱۴۰۰: ۱۵۸).



تصویر ۲۲. سکه دوره اباقاخان (بیات، ۱۴۰۰: ۴۸).

در سکه‌های غازان فقط کلمه قآن حذف شده و به راحتی می‌توان در صورت نیاز پادشاه عالم را به قآن نسبت داد. به‌ویژه اینکه در هیچ‌کدام از سکه‌های مورد مطالعه این پژوهش برای ایلخانان ایران پادشاه جهان نیامده است، یعنی شمول حکومت آنان در هیچ‌کدام از سکه‌ها شامل جهان نمی‌شود و فقط برای قآن است که لقب پادشاه جهان ذکر می‌شود. در میان ایلخانان ایران تنها در عهد اولجایتو است که هیچ نشانی معطوف به قآن دیده نمی‌شود.

۸- اولجایتو

اولجایتو هشتمین ایلخان ایران است. وی تحت تأثیر همسر مسلمانش به اسلام روی آورد و به مذهب حنفی گرایید. با بروز رقابت بین پیروان مذهب حنفی و شافعی علمای هر دو مذهب در حضور سلطان مذهب رقیب را به بدترین وجهی تخریب می‌کردند. اولجایتو به‌مرور به هر دو مذهب بدبین شد و نهایتاً از هر دو روی گرداند و برای مدتی به مذهب آباء و اجدادی خود بازگشت. برخی صاحب‌نفوذهای شیعه از فرصت بدست آمده استفاده کرده و او را به مذهب تشیع درآوردند. اولجایتو دستور داد سکه و خطبه را به نام ۱۲ امام برگردانند (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). سکه‌های ضرب‌شده این تحول را بازمی‌نمایانند، به‌طوری که از سال ۷۰۹ق شاهد ظهور نام ۱۲ امام در سکه‌ها هستیم (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۳. سکه دوره اولجایتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۶۹).

بیشتر سکه‌های او نام ائمه را دارند ولی سکه‌هایی نیز هستند که در آن شعار علی ولی‌الله ضرب شده است (تصویر ۲۵)



تصویر ۲۴. سکه دوره اولجایتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸۹).

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد اعلام مذهب تشیع ایلخان با واکنش جامعه سنی مذهب مواجه شد و در برخی شهرها به‌ویژه اصفهان، شیراز و بغداد ناآرامی ظهور کرد (ابن بطوطه، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۲۱۵-۲۱۶) و از همین رو اولجایتو شدت پیشین در پیشبرد تشیع را کنار گذاشت. همین مسئله موجب شده برخی بر این باور باشند که او از مذهب تشیع بازگشته است (وصاف، ۱۲۶۹ق: ۱/ ۶۱۶). مثلاً شبانکاره‌ای در مجمع‌الانساب می‌نویسد: «چون مذهبی محدث بود، اهالی بلاد از آن تمرد نمودند و قبول نکردند و در هر شهری غلوی کردند. بیم بود که فتنه بزرگ برخیزد. این معنی باز نمودند و خواجه رشیدالدین تقریر کرد که اگر پادشاه شیعه مذهب باشد و رعایای او بر مذهب اهل سنت و جماعت، این کار راست نیاید. پادشاه باز دانست که اگر این مذهب شایع می‌توانست کرد، در دوره خلفا شایع شد، از آن مذهب بازگشت» (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۷۳) ولی سکه‌ها این مطلب را تأیید نمی‌کنند، به طوری که از سال ۷۱۶ق، سال مرگ اولجایتو، سکه‌هایی در دست است که همچنان منقور به نام ۱۲ امام شیعه امامیه و شعار علی ولی‌الله است (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۵. سکه دوره اولجایتو، ضرب بغداد (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸۱).

به نظر می رسد که در گزارش فوق سنی بودن شبانکاره‌ای تأثیرگذار بوده، زیرا اولاً او می نویسد که شیعه شدن اولجایتو و ضرب سکه به نام ائمه دو سه روزی بیشتر دوام نیاورد، درحالی که همانطور که دیدیم ضرب سکه به نام دوازده امام تا ۷۱۶ سال مرگ او ادامه یافت. از طرفی، از فحوای جملات به کار رفته در مورد تشیع که «حادث» بوده و اگر قدرت شیوع داشت در زمان خلفای راشدین شیوع می یافت به خوبی می توان به نگاه او به تشیع پی برد. اصولاً در این حرف تناقض است که چطور می توان به مذهبی حادث گفت و بلافاصله در جمله بعدی سابقه آن را به خلفای راشدین رساند؟ از طرفی دیگر همانطور که در مبحث مربوط به غازان گفتیم خواجه رشیدالدین، غازان را از این کار بازداشت نه اولجایتو را. نکته درخور توجه دیگر در سکه ضرب شده سال ۷۱۶ قمری ذکر نام امامان با القابشان است درحالی که در سکه های قبل آن صرفاً نام ایشان آمده بود. در این سکه (تصویر ۲۶) که ضرب بغداد است برای امام مهدی لقب سیف‌الحجه (ع) به کار رفته است که به نظر نگارنده نشان دهنده تکامل اعتقاد به تشیع در نزد اولجایتو است. عباس اقبال در کتاب *تاریخ مغول* در تأیید این باور اشتباه می نویسد: «چون سلطان محمد خدابنده طبعی سالم داشت و چندان متعصب نبود بعد از قبول مذهب تشیع به عللی از جمله مقاومت اهالی برخی شهرها و علما از حرارت اولیه خود در طرفداری از تشیع کاست و در اواخر عمر دوباره امر داد که نام خلفا را در سکه و خطبه بیاورند» (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۲۹). درحالی که بر سکه های موزه های مورد مطالعه هیچ سکه ای در بازه زمانی ۷۰۹ قمری تا ۷۱۶ قمری که نام خلفای راشدین در آن ذکر شده باشد وجود ندارد. حتی بر فرض وجود سکه هایی به نام خلفای راشدین، همان طور که می دانیم ایلخانان ایران تعصب دینی تندی نداشتند و ما در کتیبه های بناهای باقی مانده از عهد آنان حتی در بناهای عهد اولجایتو نام خلفای راشدین را می بینیم.

القاب به کار رفته برای اولجایتو در این سکه ها عبارتند از: السلطان الاعظم، غیاث الدین و الدین، خدابنده محمد، مالک الرقاب و الامم، عزالدین و بهادر. در مورد این القاب لازم به ذکر است که هیچ کدام از ایلخانان پیش از او این تعداد القاب در سکه ها برای خود ذکر نکرده اند. نکته جالب دیگر وجود لقب بهادر در میان القاب اوست درحالی که گفته می شود این لقب مخصوص پسرش ابوسعید است. همانطور که می دانیم یکی از القاب اولجایتو خدابنده است. اینکه این لقب کی و به چه مناسبتی به اولجایتو داده شده معلوم نیست. عباس اقبال در این باره می گوید که سلطان اولجایتو را شیعیان به علت شیعه دوستی خدابنده و اهل تسنن دقیقاً به همین جهت و از روی کینه خربنده نام نهاده اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۱۹). این ادعای عباس اقبال نیز محل نقد دارد، زیرا رشیدالدین در ذکر وقایع عهد غازان، به ویژه در ذکر وقایع مربوط به تعیین اولجایتو به

ولایتعهدی غازان او را خربنده می‌نامد (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۱۲۲) و از طرفی نمی‌توان باور کرد که رشیدالدین که وزارت خود را مدیون غازان و اولجایتو است و کتاب خود را به نام اولجایتو می‌نویسد این قدر بی‌محابا عمل نماید که اولجایتو را بدین سبب خربنده بخواند. نکتهٔ دیگر در مورد القاب اولجایتو القاب دینی اوست. اگر در زمان غازان القاب دینی بر پشت سکه‌ها ضرب می‌شد، در عهد اولجایتو این القاب که شامل غیاث الدین، عزالدین و خدابنده است بر روی سکه آمده است که حاکی از تعمیق اعتقادات دینی در ذهن اولجایتو نسبت به زمان غازان است (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۶. سکهٔ دورهٔ اولجایتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

در کل می‌توان گفت در دورهٔ اولجایتو شعائر درج‌شده بر روی سکه‌ها از حالت ثابت سابق خارج و شکل کامل‌تری گرفت و شعائر دینی بیشتری در آن ضرب شد.

۹- ابوسعید

ابوسعید، فرزند اولجایتو نهمین ایلخان ایران است. او دو حاصل عمر پدر؛ یعنی سلطانیه و رسمیت یافتن تشیع را نادیده گرفت و روش جدیدی برای خود در پیش گرفت. ابوسعید به‌جای سلطانیه بار دیگر پایتخت را به تبریز بازگرداند و بدین‌وسیله زمینهٔ افول اعتبار سلطانیه از جایگاه پایتختی را مهیا کرد. دوم اینکه او شیعی‌گری پدر را کنار گذاشت و شعارهای ضرب شده بر روی سکه‌ها را به روال سابق برگرداند؛ یعنی اسامی ۱۲ امام شیعه و یا شعار علی ولی‌الله را حذف و به‌جای آن نام خلفای راشدین را جایگزین کرد. جالب اینکه وی این کار را در همان سال مرگ پدر انجام داد (نک. تصویر ۲۸). با وجود این سلطانیه در زمان او و حتی بعد از او همچنان به عنوان دارالضرب باقی ماند (تصویر ۲۹).



تصویر ۲۷. سکه دوره ابوسعید (بیات، ۱۴۰۰: ۱۹۸).

متن پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله (ضرب شیراز در میان متن)؛ حاشیه: ابوبکر - عمر - عثمان - علی



تصویر ۲۸. سکه دوره ابوسعید، ضرب سلطانیه (بیات، ۱۴۰۰: ۲۹۴).

دانسته است که یکی از اقدامات اولجایتو لشکرکشی به گیلان بود. علت لشکرکشی به گیلان براساس گزارش کاشانی، سخنان رد و بدل شده بین امرای محلی گیلان بود که می‌گفتند چگونه پادشاه داعیه تصرف شام و مصر دارد که در داخل مملکت خود نتوانسته گیلان را تصرف کند. با وجود بزرگنمایی که در فتح گیلان شد واقعیت این است که اولجایتو فقط توانست حاکم لاهیجان را که شخصی به نام «نوباوه» بود شکست دهد و آنجا را تصرف کند (کاشانی، ۱۳۹۱: ۶۲ و ۵۵) و در بقیه مناطق به‌ویژه رشت شکست خورد. این پیروزی و دامنه آن که فقط به لاهیجان محدود می‌شد در سکه‌های عهد ابوسعید منعکس است. پیش از دوره ابوسعید هیچ سکه‌ای در گیلان به نام ایلخانان ضرب نشده است ولی در عهد ابوسعید فقط در سکه‌های ضرب لاهیجان نام ابوسعید آمده است (تصویر ۳۰).



تصویر ۲۹. سکه دوره ابوسعید، ضرب لاهیجان در متن پشت سکه (بیات، ۱۴۰۰: ۲۷۰)

دوره حکومت ابوسعید در روابط خارجی، دوره تجدید ادعای اولوس جغتای بر خراسان و اردوی زرین به قفقاز و آذربایجان است که تا ابوسعید زنده بود نگذاشت این دسترسی امکان پیدا کند. جالب است در سکه‌های موزه‌های مورد مطالعه هیچ سکه‌ای در حوزه قفقاز ضرب نشده است. در داخل، یکی از کارهای ابوسعید، قتل خواجه رشیدالدین وزیر نامی ایران و صاحب کتاب جامع‌التواریخ است. او در دوره حیات سیاسی خود مصدر چندین خدمت شاخص شد که یکی از آن‌ها ساخت شهرک دانشگاهی و فنی ربع رشیدی است. این شهر که در حوالی تبریز بنا شده بود چنان اهمیتی یافت که دارالضرب شد (سرفراز، ۱۳۸۰: ۲۱۷).



تصویر ۳۰. سکه دوره ارغون، ضرب اردو بازار (بیات، ۱۴۰۰: ۱۱۴).

تردید در برخی باورهای مطالعات پیشین

در پایان با مطالعه سکه‌های ایلخانی این موزه‌ها برخی ادعاهای سابق پژوهشگران این عرصه نیز با تردید مواجه می‌شود. برای نمونه سید جمال ترابی طباطبائی که در ایران نخستین مطالعات جدی را روی سکه‌های ایلخانی انجام داده در سال ۱۳۴۷ش با توجه به سکه‌هایی که در اختیار داشته، نوشته است که «جمله خلدالله ملکه یا سلطانہ یا خلافتہ و یا دولته از زمان غازان به

این طرف در سکه‌های ایلخانی ظاهر شد» (ترابی طباطبائی، ۱۳۴۷: ۳۳). درحالی که از همان زمان هولاکو سکه‌هایی وجود دارند که این شعار روی آن نقش بسته است با این توضیح که در سکه‌های ضرب‌شده عهد هولاکو خلد ملکه‌ها آمده است ولی از عهد اباقا خلدالله ملکه در اغلب سکه‌ها وجود دارد (رک. تصویر ۵).

همچنین اشیپولر می‌نویسد که هلاکو در دوران زمامداری منکو خود را «خان» و در زمان قوبیلای «ایلخان المعظم» می‌نامید (اشپولر، ۱۳۹۷: ۲۷۲-۲۷۳). درحالی که مطابق سکه‌های مورد مطالعه، هولاکو از همان سال ۶۵۴ق که نخستین سکه‌ها به نامش ضرب شد خود را ایلخان‌المعظم نامید (رک. تصویر ۲) و اتفاقاً در برخی سکه‌های بعد از مرگ منکو است که خود را خان می‌نامد (تصویر ۱).

در فصل دوم از کتاب دکتر شیرین بیانی در ذیل عنوان کشمکش بر سر قدرت مسلمانی اولین سلطان ایلخانی، می‌نویسد عنصر ایرانی پس از مرگ اباقا برادرش تگودار را به سلطنت برداشته و به او لقب سلطان را که لقب پادشاهان ایرانی بود دادند (بیانی، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۱۱). این بیان خانم دکتر بیانی موجب شد برخی تصور کنند که او لقب ایلخان را کنار گذاشته و لقب سلطان را که لقب شاهان ایران بود برای خود برگزیده است. واقعیت آن است که در تمام سکه‌های ضرب احمد، بر روی سکه لقب ایلخان المعظم آمده است فقط در پشت سکه‌های او بعد از لاله الا الله محمد رسول الله، عبارت السلطان احمد ذکر کرده است، بنابراین این گزاره که او عنوان ایلخان را کنار گذاشته و سلطان را انتخاب کرده، درست نیست. اصولاً اگر لقب سلطان را نشان ایرانی‌گرایی احمد بدانیم خیلی پیش از او، هولاکو در روی سکه، خود را پادشاه جهان نامید (تصویر ۳۲) و واژه پادشاه ایرانی‌تر از سلطان است. زیرا سلطان با ریشه عربی از عهد حکومت‌های ترک در ایران مرسوم شد.



تصویر ۳۱. سکه دوره هولاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۲۶).

نتیجه

براساس آنچه که آمد ایلخانان تغییر محسوسی در شعائر ضرب سکه رایج در میان مسلمان انجام ندادند و تقریباً همان رویه را که مبتنی بر درج نام پادشاه زمان بر روی سکه و شهادتین در پشت آن بود ادامه دادند. تنها تغییر ایجاد شده ظهور زبان اویغوری و از عهد غازان چینی در سکه‌های این دوره است.

براساس این مقاله، مبتکر حذف نام قآن از سکه‌ها غازان نبوده بلکه این روند از عهد هولاکو با یک شیب ملایم آغاز شده بود و غازان در واقع آخرین حلقه آن را کامل کرد. همچنین براساس سکه‌های بررسی شده اولجایتو بعد از اعلام مذهب شیعه از این مذهب برگشته و تا آخرین سال حیات، سکه‌های ضرب شده او حاوی شعائر شیعی هستند.

منابع

کتاب‌ها

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۴۶). *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن بطوطه (۱۴۰۷ق). *رحله*، به کوشش محمد عبدالمنعم عربیان. بیروت: بی‌نا.
- اشپولر، برتولد (۱۳۹۷). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵). *تاریخ مغول (از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری)*، تهران: امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۷). *تاریخ مغول*، تهران: نگاه.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۷۶). *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی. تهران: توس.
- بته‌کن، علی (۱۳۹۹). *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی: آبخس خاتون*، جلد دوم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- بیات، مسعود (۱۴۰۰). *سکه‌های ایلخانی*، تهران: وزرات امور خارجه.

- بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۰). *تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)*، تهران: شیعه‌شناسی.
- جوینی، عظاملک (۱۳۸۴). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دستان.
- زرکوب شیرازی، احمد بن شهاب‌الدین (۱۳۵۰). *شیرازنامه*، به کوشش اسماعیل واعظ‌جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سرفراز، علی‌اکبر، و آورزمانی، فریدون (۱۳۸۰). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۷۶). *مجمع‌الأنساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شریده، ایمن ابراهیم (۱۳۸۴). *روابط سیاسی ایران عهد تیموریان با مصر و شامات عهد ممالیک*، تهران: وزارت امور خارجه.
- رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۹۴). *جامع‌التواریخ*، جلد دوم، به تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: میراث مکتوب.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۹۱). *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریستی، آنتونی (۱۳۷۳). *اساطیر چین*، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲). *سمط‌العلی للحضرة العلیا*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء*، جلد پنجم، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر.
- وصاف، شهاب‌الدین (۱۲۶۹ق). *تاریخ وصاف*، بمبئی: بی‌نا.
- وصاف‌الحضرة شیرازی، شهاب‌الدین (۱۳۳۸). *تجزیه‌الامصار و تجزیة‌العصار*، بمبئی: بی‌نا.

مقاله‌ها

- بیروتی، شهره و دیگران (۱۴۰۰). تحلیل نماد پرنده در سکه های دوره ایلخانی از منظر گفتمان مذهب بر اساس الگوی اروین پانوفسکی. *نشریه مطالعات هنر اسلامی*، ۱۷(۴۳)، پاییز. صص ۴۳-۵۹.

- ترابی طباطبایی، سیدجمال (۱۳۵۳). سکه‌هایی متنوع از اباقآن، بررسی‌های تاریخی، ۶ صص ۱۷۷-۱۸۶.
- دلیر، نیره؛ خلیفه، مجتبی، مسئله و مبنای مشروعیت یابی ایلخانان بر اساس شواهد سکه شناسی با تاکید بر آیه ۲۶ سوره آل عمران، فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، دوره ۱۴، شماره ۳۷، زمستان ۱۴۰۱.
- رنجبر، پروین (۱۳۹۱). درآمدی بر نقش‌مایه طاووس در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، مجله ققه و تاریخ تمدن، ۶ (۲)، صص ۴۲-۴۷.
- روستا، جمشید، و پورمهدی‌زاده، سحر (۱۳۹۵). تحلیلی بر روابط سیاسی قراختاییان کرمان با مغولان و حکومت ایلخانی. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۸ (۱)، صص ۵۷-۷۶.
- سرافرازی، عباس (۱۳۸۹). گرایش‌های سیاسی، مذهبی ایلخانان بر اساس مسکوکات ایلخانی ۶۵۱-۷۵۶ ه.ق. نشریه پژوهش‌های تاریخی، ۲ (۱)، صص ۴۷-۶۶.
- فیضی، فرزاد؛ شهبازی، حبیب؛ حاجی‌زاده، کریم، برهم کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی، فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال سیزدهم، شماره ۳۰، بهار ۱۴۰۱.

نشریه

- ترابی طباطبایی، جمال‌الدین (۱۳۴۷). سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی، نشریه شماره ۳، تبریز: موزه آذربایجان.

منابع لاتین

- Diler, Ömer (2006). *Ilkhans: Coinage of the Persian Mongols*, Istanbul.

Research on the Coins of the Ilkhanate Era in the Museums of Sepah Bank, National Museum, Maragheh, and Zanjan

Abstract

Historical studies can be conducted using various sources, among which coins minted by governments are considered one of the most significant. Coins serve as a medium for economic exchange and carry political, religious, financial, artistic, and linguistic information. With the rise of the Ilkhanate, the scholarly value of coins in historiography was preserved, as Ilkhanid coins contain valuable information about their relations, particularly with the Khāns based in Mongolia and China, as well as with some semi-independent subordinate states such as Armenia, Fārs, and Kermān. These coins provide insights into economic conditions, religion, language, naming conventions, the status of women, and other principles of governance, thereby filling gaps in historical texts. The main question of this research is: What historiographical information can be extracted from Ilkhanid coins? This study employs a descriptive-explanatory method, utilizing library resources and articles, while relying on coins available in museums to examine the subject. The findings of this research indicate that the Mongols, aiming to maintain political cohesion and synergy with the people of conquered territories, used Islamic symbols on coins to prevent political issues arising from changes in religious practices. Furthermore, the study of coins in the mentioned museums has challenged some previous beliefs regarding the nature of the relationships between various Ilkhans and the Khāns, the reversion of Öljaitü from Shia Islam, the rationale behind the use of the Chinese language, and several other assumptions, while also introducing new perspectives.

Keywords: Mongols, Ilkhanate, Coins, Foreign Relations, Religion, Language.